سیاست: انفجاری پیامد؛ انفجاری

مهدویان، هادی

رخدادهای 15،16 ماه گذشته قابل پیش‏بینی بود.در عین حال باید دانست که عدم شفافیت،ناکارایی هزینه، مشکلات همزمانی چرخه بودجه‏ای با درآمدهای نفتی‏ و قیمت جهانی نفت و پیگیری بودجه انبساطی در نتیجه‏ قیمت جهانی بالارونده نفت و بودجه انقباضی در زمان‏ افت قیمت نفت،تمسک بودجه به تامین مالی تورمی، از طریق استقراض از بانک مرکزی یا افزایش نرخ ارز و ...همگی ویژگی‏های ذاتی بودجه کشور هستند.منتهی‏ در مقاطعی دولت‏ها متوجه این آسیب،خطر و تهدید بودند و به برقرای ساز و کارهای تثبیت‏کننده مانند ایجاد حساب ذخیره ارزی پرداختند و برخی دولت‏ها به آن بی‏توجه بودند.در حالی که با تمهید صندوق‏ ذخیره ارزی و نیز خصوصی‏سازی کوشش بر این بود که بخشی از درآمدها از بودجه دولت منفک شود و به‏ کمک آن نوعی ثبات در روند اقتصادی کلان کشور پدید آید.به یک‏باره یک آشوب مالی کشور را فرا گرفت: انفجار و انبساط بودجه‏ای در نیمه دوم سال 84،و سپس‏ بودجه انبساطی سال 85 سبب گردید که رشته امور از دست‏ها خارج شود.

نگاهی به منابع و مصارف ارزی بودجه در سال‏های‏ 84 و 85 و نیز حجم سنگین تعهدات ارزی کشور،که از بودجه امسال به سال آینده انتقال خواهد یافت گویای‏ منفی شدن حساب ذخیره ارزی در سال 1386 است. یقینا بودجه سال آینده بسیار شکننده خواهد بود و فشار حساب‏های نقدینگی یقینا به سمت فشار تراز پرداخت‏ها میل خواهند کرد.در نبود انضباط مالی،حرکت کلان‏ اقتصاد چنین خواهد بود:از بودجه به پولی و از پولی،به‏ دلیل توسل قوی به واردات برای کاهش قیمت‏ها،به‏ بحران تراز پرداخت‏ها میل می‏کند.کشور این مسیر را یک‏بار دیگر در سال 1372 تجربه کرد.البته در آن زمان‏ ارز نداشتیم و ناچار به 30،40 میلیارد دلار فاینانس‏ کوتاه‏مدت متوسل شدیم.اکنون دارای مقداری ارز در یک فضای بی‏انضباطی مطلق‏ قرار گرفته‏ایم؛مجموعه‏ای از اعداد ارتباطشان با برنامه کشور و داعیه‏های برنامه گسسته شده و دچار فرسایش مطلق شده‏اند

هستیم و آن را مصرف می‏کنیم.به نظرمی‏رسد با توجه‏ به نبود فاینانس زودتر به نقطه بحران خواهیم رسید.

باید دانست انبساط انفجارگونه کنونی کار را برای‏ دولت‏های بعد نیز بسیار بسیار دشوار می‏کند.این‏ انبساط انفجارگونه سبب عدم تناسب قیمت‏ها نیز شده‏ است.قیمت‏های نسبی را به شدت دچار ناهنجاری‏ کرده است.بنابراین هر زمان که بخواهیم بار دیگر به‏ اوضاع سامان بدهیم با یک تعدیل تورمی مواجه خواهیم‏ شد.برای مثال بهای خدمات دولتی همچون آب،برق، انرژی،حمل و نقل،ارز،همه سرکوب شده‏اند و دولت‏ برای کنترل تورم نرخ‏های آن‏ها را پایین نگه داشته است. در واقع تمامی شرکت‏های ارائه‏دهنده این‏گونه‏ خدمات دچار مشکلات مالی عمیق هستند.از همین‏ رو بازگشت آن‏ها به نقطه صفر نیازمند تعدیل تورمی و بازگشت قیمت‏های نسبی به قیمت‏های بین‏المللی و به صورت روان و ادامه‏دار است.

در این‏باره جالب است بدانیم که صندوق ذخیره ارزی‏ هنگامی تشکیل شد که بهای نفت در سطح 18 تا 20 دلار بود.تعجب اینکه دولت هنگامی که بهای نفت 50 تا 60 دلار بود برداشت از این ذخیره را آغاز کرد.

پرسش این است که چگونه با وجود الزامات قانون‏ برنامه و سند چشم‏انداز و سیاست‏های کلی از این‏ الزامات عدول شد و این الزامات از جهت کوچک کردن‏ دولت،کاهش اتکا به درآمد نفت،الزام حرکت بودجه‏ به سمت تامین اعتبارات هزینه‏های جاری از محل‏ درآمدهای جاری و مالیات‏ها و...نادیده انگاشته شد و متأسفانه کسی درباره آن‏ها سخن نگفت.

بودجه دولت در کشور ما به لحاظ فاصله میان مصوبه‏ مجلس و آنچه بدان عمل می‏شود دچار دوگانگی غریبی‏ است.مجلس چیزی را تصویب می‏کند،اما حاصل کار با این مصوبه تفاوت بارز دارد.علت چیست؟همچنان‏ که می‏دانیم نسبت بودجه جاری به عمرانی 55 به 45 یا 60 به 40 است.رسم بر این است که دولت در دو سه‏ ماه پایانی سال با بردن یک لایحه این نسبت را آنچنان‏ که می خواهد تغییر می‏دهد.امسال نیز همین اتفاق رخ‏ داد.یعنی دست‏کم 40،50 هزار میلیارد از بودجه عمرانی‏ 160 هزار میلیاردی را در بودجه جاری منظور خواهد کرد. لایحه بودجه 1386 نیز،فارغ از کیفیت تصویب آن در مجلس،یقینا دست‏کم 100 هزار میلیارد ریال کسری‏ خواهد داشت.به نسبت هر نگاه واقع‏بینانه‏ای بر اساس‏ برنامه‏هایی که خود دولت در قالب بودجه‏ گذاشته،حالا از بابت لایحه نظام هماهنگ،از بابت تعدیل حقوق بازنشسته‏های 79 به بعد، اقشار آسیب‏پذیر،کاهش یارانه‏های بنزین و... تمام آن اعدادی که گذاشته در قسمت درآمدها 70 هزار میلیارد خصوصی‏سازی و غیره،آن‏ چیزی است که‏"جمعی خرجی‏"است،عمل‏ می‏کند و آن چیزی که غیر جمعی خرجی، است در مقیاس منهای 15 درصد عمل می‏کند. همیشه منهای 10 درصد هیچ وقت به اضافه‏ 10 درصد نشده.مگر در سال‏هایی که عدد بسیار پایین دیده شده بود.

اکنون نیز چنین خواهد شد.یعنی مجلس‏ چیزی را تصویب خواهد کرد و دولت هم‏ آن‏گونه که خود می‏خواهداز فروردین‏ماه‏ کار را شروع می‏کند.البته این‏بار به جای‏ اینکه در در ماه به بن بست برسد از ماه‏ مهر یا آبان با معضل مواجه خواهد شد و بنابراین در حوالی ماه‏های مهر و آبان دولت‏ برای گرفتن یک اصلاحیه یا متمم به مجلس‏ مراجعه خواهد کرد.راه‏حل نیز روشن‏ است:کاستن از طرح‏های عمرانی و باز روز از نو و روزی از نو.

بدین‏ترتیب در یک فضای بی‏انضباطی‏ مطلق قرار گرفته‏ایم؛مجموعه‏ای از اعداد ارتباط شان با برنامه کشور و داعیه‏های برنامه گسسته شده و دچار فرسایش مطلق شده‏اند.این وضع،قبل از این هم وجود داشت،اما اکنون به میزان زیادی بر سرعت آن افزوده‏ شده و به مرز مطلق رسیده است.

در واقع آنچه اتفاق افتاده تاییدی است بر تمام‏ بحث‏های کارشناسی که از 15 ماه پیش،یعنی از زمان‏ روی کار آمدن دولت جدید،در جریان است.بارها گفته شده است همپای انفجار در بودجه امکانات‏ واقعی کشور افزایش نمی‏یابد و تولید در کشور بودجه سال آینده بسیار شکننده خواهد بود و فشار حساب‏های نقدینگی یقینا به سمت فشار تراز پرداخت‏ها میل خواهند کرد نگاهی به منابع و مصارف ارزی‏ بودجه در سال‏های 84 و 85 که‏ از بودجه امسال به سال آینده‏ انتقال خواهد یافت گویای‏ منفی شدن حساب ذخیره ارزی‏ در سال 1386 است‏ ناگهان 60،70 درصد افزایش نمی‏یابد.بنابراین‏ حاصل این حرکت انفجاری،چیزی جز تورم نیست. تورم نیز به نوبه خود بر رشد،سرمایه‏گذاری و فضای‏ کلان اقتصاد آسیب می‏رساند.بی‏دلیل نیست که‏ رشد اقتصادی کشور از بالای 5 درصد در سه ماهه‏ اول سال گذشته به 7/4 درصد در امسال تنزل کرده‏ است.همچنین است درباره موضوع تراز پراخت‏ها.مادام که تراز پرداخت‏ها کار می‏کند، بهمن نقدینگی در تورم دیده نمی‏شود،ولی به‏ محض اینکه فشار ارزی بر کشور وارد شود،آنگاه با بهمنی مهیب مواجه خواهیم شد.در حالی که‏ در قالب بودجه سال 85 بیش از 50 میلیارد دلار هزینه شده است،همزمان از میزان رشد و سرمایه‏گذاری کاسته شده است و این‏ همه تورم را به خطری جدی تبدیل کرده‏ است.

حساب صندوق در پایان سال قبل 4/8 میلیارد دلار مثبت بود،اما احتمالا در پایان‏ سال جاری منفی می‏شود و در سال آینده به‏ صورت تعهدی عدد منفی بزرگ‏تری‏ درخواهد آمد.چگونگی رفتار دولت کنونی‏ ودولت آینده در قبال این همه تعهدات خود موضوع بحثی دیگر است.از هم‏اکنون‏ می‏توان حدس زد که دولت به بخشی از تعهدهای خود عمل نخواهد کرد.

در حوزه تراز پرداخت‏ها به احتمال قوی‏ با مشکل مواجه خواهیم شد.

جریان کوچک شدن مازاد حساب جای‏ تراز پرداخت‏ها و مسیر چرخش حساب‏ سرمایه از مازاد به کسری،از نیمه اول سال‏ جاری آغاز شده است و یقینا تا پایان سال‏ 85 این جریانات تشدید خواهد شد.حجم‏ فاینانس‏های کشور بسیار کوچک شده‏ است.در واقع فانانس‏ها را بازپرداخت‏ خواهیم کرد،ولی پول تازه‏ای وارد کشور نخواهد شد.مازاد حساب جاری هم از بابت رشد واردات و هم از بابت کاهش نسبی قیمت نفت در معرض‏ فرسایش قرار گرفته است.فاینانس‏های میان‏مدت‏ وبلندمدت هم قطع گردیده و به این ترتیب در سال‏ جاری و سال آینده کشور مجبور خواهد شد تا برای‏ تامین نیز واردات فزاینده و بازپرداخت فاینانس‏ها از ذخایر و حساب دارایی‏های خارجی استفاده‏ نماید.چنین روندی وضعیت مالی کشور را به غایت پیچیده خواهد کرد.